



قرآن پژوهی

اثر: رودی پارت

ترجمه: شهرام تقی‌زاده انصاری

اشاره

نوشته حاضر یکی از مقالات رودی پارت (۱۹۰۱-۱۹۸۳) خاورشناس معروف آلمانی و مترجم قرآن است که نخست بار در قالب سخنرانی با عنوان «مرزهای تحقیق قرآنی» ارائه شد و انتشارات گلهامر (در شهر اشتوتگارت) در ۱۹۵۰ آن را به صورت کتابی کم حجم منتشر ساخت:

Grenzen der Koranforschung. Stuttgart: W. Kohlhammer (Bonner Orientalistische Studien, 27.) 1950.35pp.

خلاصه‌ای از این اثر بعدها در قالب مقاله‌ای با همان عنوان در کتابی به نام عرب‌ها و آلمانیان

(توبینگن، ۱۹۷۴) انتشار یافت که ترجمه فارسی حاضر بر اساس همین چاپ است:

"Grenzen der Koranforschung," *Araber und Deutsche: Begegnungen in einem Jahrtausend*, edited by Friedrich H. Kochwasser and Hans R. Roemer, Tübingen, 1974, pp. 265-275.

رودی پارت به سال ۱۹۰۱ در ویتن‌دورف (جنوب شرقی آلمان) به دنیا آمد. پس از گذراندن تحصیلات متوسطه و دانشگاهی در ۱۳۰۳ ش / ۱۹۲۴، با تقدیم رساله «سیره سیف بن ذی یزن: یک داستان عامیانه عربی»، موفق به دریافت دکترای خود شد. دو سال بعد، پس از ارائه رساله استادی، با سمت دستیاری کرسی خاورشناسی به کار پرداخت. از ۱۹۳۰ تا ۱۹۴۰ در دانشگاه هایدلبرگ به تدریس پرداخت و سپس به عنوان استاد جانشین کرسی

□ ۸۱ قرآن‌پژوهی

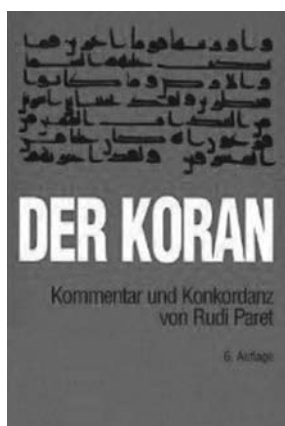
اسلام‌شناسی و سامی‌شناسی به دانشگاه بُن دعوت، و در ۱۹۴۱ استاد همان کرسی شد. با شدت گرفتن جنگ جهانی دوم، به لشکر آلمان در آفریقا اعزام شد و پس از شکست ارتش آلمان به اسارت آمریکاییان درآمد، اما سرانجام در ۱۹۴۶ به آلمان بازگشت و بار دیگر فعالیت‌های علمی خود را از سرگرفت. وی در ۱۹۵۱ جانشین استادش انولیمان در کرسی اسلام‌شناسی و سامی‌شناسی دانشگاه توینگن شد و از همان زمان، دوران پرکار و پربار پژوهش‌های علمی خود را آغاز کرد.

چنان‌که فهرست آثار رودی پارت نشان می‌دهد، موضوعات پژوهش‌های آغازین او بسیار متنوع بوده است، اما مهم‌ترین حوزه‌های علایق و تحقیقات وی را مطالعات قرآنی به‌ویژه پژوهش‌های لغوی در باب قرآن تشکیل می‌داد. وی از سال ۱۹۳۵ که در جشن‌نامه انولیمان، «برنامه یک ترجمه علمی نوین از قرآن با تفسیری کوتاه» را طرح‌ریزی کرد، وقت و نیروی خود را در پیشبرد این برنامه و موضوعات مربوط بدان متمرکز نمود و پس از ۳۵ سال دو اثر معروف، یکی ترجمه آلمانی قرآن کریم و دیگری تفسیر و واژه‌نامه قرآن به آلمانی را به رشته تحریر درآورد. وی چنان‌که در مقدمه ترجمه قرآن خویش می‌گوید، کوشیده است که قرآن را از زبان قرآن معنا کند، و برای این کار، نخست تمام واژه‌ها، موارد کاربرد و تعبیرات مشابه قرآن را با دقت و حوصله‌ای بسیار و روشمند گرد آورده و همه را با نقدی عالمانه با یکدیگر سنجیده است. این اثر که معروف‌ترین ترجمه آلمانی قرآن در دهه‌های اخیر شمرده می‌شود، در برخی کشورهای اسلامی و از جمله ایران به صورت افست به چاپ رسیده است.

* * *

قرآن‌پژوهی، از جمله حوزه‌های ویژه‌ای است که در بخش شرق‌شناسی دانشگاه توینگن به طور جدی دنبال شده و می‌شود. از آنجا که من پس از اخذ کرسی استادی در سال ۱۹۵۱ در دانشگاه توینگن به مدت بیست سال تمام تدریس و تحقیق می‌کردم، به خود اجازه می‌دهم که سخنرانی‌ام را درباره تحقیقات علمی قرآنی که انجام داده‌ام ایراد کنم. به‌طور مسلم در دانشگاه‌هایی که قرآن‌شناسی تدریس می‌شود، درس‌گفتارهایی نیز در مورد قرآن ارائه می‌گردد. هر دانشجویی که به عنوان مبتدی درس زبان عربی را می‌گذراند، در پایان آن فرصتی برای مطالعه برگزیده آثار نویسندگان مختلف و کتاب مقدس مسلمانان دارد. هنگامی که من در ترم زمستانی ۲۱-۱۹۲۰ در دانشگاه توینگن به عنوان دانشجوی الهیات پروتستانی

شروع به تحصیل کردم، ابتدا با دانش مقدماتی زبان عبری مشغول یادگیری زبان عربی شدم و با خود قرار گذاشتم که تمام قرآن را به زبان اصلی بخوانم. با کمک یک لغت‌نامه عربی به فارسی و ترجمه قرآن به زبان آلمانی ماکس هنینگ^۱ توانستم پس از یک سال به هدف خود نایل شوم. اما باید اعتراف کنم که با وجود مشکلات بسیار توانستم با این کتاب مقدس بیشتر آشنا شوم ولی آشنایی من با تحقیقات قرآنی ربطی نداشت.



من پس از آنکه درباره «جایگاه زن در جهان اسلام و جهان عرب» کار کردم و ضمناً به بررسی بعضی از متون مهم قرآنی پرداختم، به فکر تحقیق درباره قرآن افتادم.

پس از این مطالعات و تحقیقات به این نتیجه رسیدم که اولاً ترجمه‌های بسیاری از قرآن به زبانهای اروپایی وجود دارد، ولی جزئیات بسیاری از آیات روشن و واضح نیست. هنگامی که سعی می‌کردم این جزئیات را روشن سازم، به فکر رسیدم که برای ترجمه قرآن و تحقیق در آن باید تا حد امکان به تفسیرهای مربوطه

دسترسی پیدا کرد و برای درک و فهم منظم قرآن باید صور^۲ زبانی و مفاهیم تخصصی را نیز در نظر گرفت. به این ترتیب بود که من به فکر ترجمه علمی جدیدی از قرآن افتادم. من بررسی و تحقیق درباره این فعالیت‌ها را تحت عنوان «برنامه‌ای جدید برای ترجمه علمی قرآن به ضمیمه تفسیر ساده» در کتاب «مطالعات شرق‌شناسی، انولیتمان^۳ در شصتمین سالروز تولد او» ارائه کردم که با حضور دوستان و شاگردان دوران دانشگاهی اش در بُن و توینگن انجام گرفت و در لایدن^۴ در سال ۱۹۵۳، در صفحات ۱۲۱-۱۳۰ به چاپ رسید. پس از به چاپ رسیدن ترجمه انگلیسی قرآن توسط ریچارد بِل^۵ در سال ۱۹۳۹ در شهر

1. Max Hennig

2. Ferman

3. Enno Littman

4. Leiden

5. Richard Bell

□ ۸۳ قرآن‌پژوهی

ادینبورگ^۱ و تفسیر ۳۰ سوره‌ادموند بک^۲ و مقدمه ترجمه قرآن به زبان فرانسه رژی بلاشر^۳ در سال ۱۹۴۹ در شهر پاریس، من در کتاب مرزهای تحقیقات قرآنی (مطالعات شرق‌شناسی بُن، دفتر ۲۷، اشتوتگارت ۱۹۵۰) بار دیگر اظهار داشتیم که در شرف انجام ترجمه‌ای از قرآن به زبان آلمانی هستیم، و به عنوان نمونه ترجمه سوره روم در قرآن را ارائه کردم و آن را به بحث و نظر گذاشتم. چاپ این ترجمه قرآن من بیشتر از پنج سال طول کشید و پنج سال دیگر نیز تفسیر آن به بازار آمد. ثمره فرعی مطالعات و تحقیقات من در زمینه قرآن‌پژوهی و اسلام‌شناسی کتاب محمد و قرآن است که در سال ۱۹۵۷ در سری کتابهای علمی جیبی تحت شماره ۳۲ به چاپ رسید. بعداً نیز با تصحیح‌هایی اندک در سال ۱۹۶۶ و دوباره در سال ۱۹۷۲ منتشر شد. علاوه بر این، در رابطه با این مطالعات و تحقیقات، رساله‌هایی نیز در دیپارتمان شرق‌شناسی دانشگاه توینگن ارائه شد که از این قرارند:

۱. آثار اشکال حقوقی عربی قدیم در قرآن، تألیف یوزف کورت زولفرانک (Josef Kurt Sollfrank 1963).

۲. جملات شرطی و اصطلاحات شرطی در قرآن، تألیف رناته تیتس (Renate Tietz) (نام جدید یاکوبی) (Jacobi 1963).

۳. اشارات قرآن به فرهنگ مادی اعراب قدیم، تألیف اله او نور هاپتنر (Eleonore Hauptner) (نام فعلی رحیمی لاریجانی ۱۹۶۶).

۴. تحقیقاتی در مورد نثر خالص در قرآن، تألیف فریدرون د. مولر. (Friedrun R. Muller) (نام فعلی هوی ۱۹۶۸) (Heu, 1968).

از آنجا که فهم بخشهای بسیاری از قرآن برای ما مشکل است، باید برای فهمیدن آنها از وسایل کمکی‌ای که در دست داریم استفاده کنیم و حتی در مواقع ضروری از انتقادهای سازنده بهره ببریم. من در ترجمه قرآن به زبان آلمانی از تفسیر طبری (۳۰ قسمت در ۱۰ جلد، قاهره ۱۳۲۱ هـ - ق / ۱۹۳۰ م)، تفسیر زمخشری (۴ جلد، قاهره، ۱۳۷۳ هـ - ق / ۱۹۵۳ م)، تفسیر بیضاوی (۲ جلد، لایپزیک، ۱۸۴۶ هـ - ق، ۱۸۴۸ م) بهره برده‌ام. البته در استفاده از این مدارک

1. Edinbürg

2. Edmund Beck

3. Regis Blachere

مهم و وسیع، با احتیاط عمل کرده‌ام، به عکس کسانی که در ترجمه‌های گذشته قرآن به زبان آلمانی از تفاسیری استفاده کرده‌اند که خودشان مورد سؤال قرار گرفته‌اند و کارشان ریشه در روایات بومی داشته و آنها آن را از آن خود کرده‌اند. در این ترجمه سعی شده است که مفاهیم^۱ اولیه قرآن برگردانده شود، همان طور که حضرت محمد(ص) هنگام ترویج قسمتهای مربوطه در نظر داشته و آنها را می‌فهمیده و می‌خواسته آنها را بدانند. من در تفسیر متون سعی کرده‌ام با کمال دقت از قرآن استفاده کنم، به این ترتیب که در مورد هر آیه و هر قسمت، همه قسمتهایی را که معانی مشابه و معادلی دارند در قرآن پیدا کنم و قسمتهای همسان و یا اشکال مورد اختلاف را با یکدیگر مقایسه نمایم. از این نوع مدارک مستند^۲ ارزشمند نه تنها برای اولین بار در توضیح تک‌تک موارد استفاده کرده‌ام، بلکه از آن در همه جا و به طور منظم در ترجمه قرآن به زبان آلمانی بهره گرفته‌ام. البته بعضی اوقات انتقاد سازنده نیز ضروری بوده است، زیرا از هماهنگی مفاهیم و رابطه‌های مستقیم درون سیستم نمی‌توان همیشه به هویت محتوایی برد.

برای آنکه افرادی که در آینده می‌خواهند روی متون قرآنی کار کنند، بتوانند به‌سادگی، مدارک مستند را از قرآن استخراج کنند، کوشش کرده‌ام در کتاب تفسیر قرآن خود، نوع مخصوصی از واژه‌نامه^۳ را ارائه دهم، بدین ترتیب که از هر آیه، مواردی آورده شده است که در آنها یک رابطه مفهومی یا اصطلاحی در آیه مورد نظر وجود دارد، و به طور مشابه و یکسان در جای دیگری از قرآن نیز به چشم می‌خورد. ضمناً استنادها طوری منظم شده‌اند که آیاتی که در آنها متن مورد مقایسه با آیاتی که پیشتر مورد بحث قرار گرفته‌اند، مطابقت دارند در ابتدا قرار گرفته‌اند. ضمناً در تقسیم‌بندی بعدی، این نکته را که تا چه حد تفسیر سنتی قرآن با تفسیر قرآن با نظر به تاریخ اختلاف دارند می‌توان در متن حقوق مربوط به ازدواج و حقوق مربوط به خانواده مشاهده کرد. فی‌المثل در ترجمه آیات ۲ به بعد سوره نساء، ضمن آنکه به جزئیات نیز پرداخته‌ام، آیات ۲ و ۳ لغت به لغت ترجمه شده‌اند بدون آنکه مسائل سؤال برانگیز در نظر گرفته شود:

-
1. Sinngehalt
 2. Belegmaterial
 3. Konkordanz

«مال یتیمان^۱ را به یتیمان دهید و حرام را با حلال مبادله نکنید. و اموال آنها را همراه با اموال خویش نخورید که این گناهی بزرگ است. اگر شما را بیم آن است که در کار یتیمان عدالت نوزید، از زنان، هر چه شما را پسند افتد، دو، سه و یا چهار زن را به نکاح خود در آورید. و اگر بیم آن دارید که به عدالت رفتار نکنید، تنها یک زن بگیرید یا هر چه کنیز مالک آن شوید. این راهی بهتر است تا مرتکب ستم نگردید»^۲.

آیه ۲ بدون شک قابل فهم است. به مؤمنان اخطار می‌شود که به مال یتیمان که تحت سرپرستی^۳ آنها قرار دارند نزدیک نشوند. برعکس، تفسیر آیه ۳ مشکل است، چون بعداً از آن نتیجه گرفته شده که یک مسلمان به طور همزمان اجازه دارد تا ۴ زن اختیار کند و از کنیزان نیز هر چه می‌خواهد بگیرد.

چگونه می‌توان میان جمله: «اگر بیم آن دارید که به عدالت رفتار نکنید، تنها یک زن بگیرید» و جمله بعدی: «از زنان هر چه شما را پسند افتاد، دو، سه و یا چهار نفر را به نکاح خود در آورید» هماهنگی با معنایی ایجاد کرد؟

آیه ۱۲۷ همین سوره نساء به نکته مهمی اشاره می‌کند: «از تو درباره زنان فتوا می‌خواهند، بگو: خدا درباره آنان به آنچه در این کتاب بر شما خوانده می‌شود فتوا داده است. این فتوا در باب آنها و زنان پدرمرده‌ای است که حق مقررشان را نمی‌پردازید و می‌خواهید آنان را به نکاح خود در آورید»^۴.

احتمالاً آیه ۳ خصوصاً در مورد یتیمان زن و در حقیقت از آنهایی که زمان ازدواجشان فرا رسیده است سخن می‌گوید. حال با در نظر گرفتن شروع سوره نساء (آیه ۱۰ تا ۱۴) که در ماجرای جنگ اُحد (سال ۶۲۵ م) نازل شده و در آن هفتاد مسلمان به شهادت رسیده‌اند، می‌توان در تفسیر آیه ۳ ترجمه ریچارد بل را در نظر گرفت. بل در مقدمه تفسیر سوره نساء تذکر می‌دهد که قوانین مربوط به حقوق ارث در آیات ۱۱ تا ۱۴ نساء احتمالاً به خاطر اهمیت فراوان مسئله بلافاصله بعد از جنگ احد تشریح شده بوده است. او در همین رابطه عقیده دارد که چند همسری به مثابه وسیله‌ای برای امرار معاش یتیمان زن رسم شده بوده است. به عبارت دیگر: در آیه ۳ اگر ما مفاد آن را به طور صحیح بفهمیم، به مردانی که زنان بالغ را

1. Waise

۲. نساء، آیات ۲ و ۳.

3. Obhut

۴. من حالا این طور متن را می‌فهمم. مطابق این معنا باید ترجمه قرآن من تصحیح شود.

تحت سرپرستی خود نگهداشته‌اند، اخطار می‌شود که بهتر است آنها را بدون انتظار کشیدن به ازدواج خود درآورند و آنها را از حق خود محروم نسازند. ...

از تفسیر پیشین شرطی ما از اولین نیمه آیه ۳، فقط آثار کمی در ادبیات تفسیری دیده می‌شود. در تفسیر طبری به صورت خیلی خوبی این مسئله مطرح شده است: اگر شما باید توجه کنید که به مال یتیمان نزدیک نشوید، همین طور هم باید دقت کنید که با زنانان به عدالت رفتار کنید و به این دلیل است که فقط اجازه دارید یک زن (یا یک کنیز) و حداکثر ۴ زن اختیار کنید.

مفسران به طور کلی عقیده دارند که عدد ۴ زن حداکثر مرزی است که مردان اجازه ندارند از آن تجاوز کنند. (بعضی از گزارشهای قبل از دوران اسلامی نشان می‌دهد که مردان اجازه داشتند حداکثر ۱۰ زن بگیرند). ماکس هنینگ در ترجمه جدید قرآن خود که با مقدمه پروفیسور آنه ماری شیمپل در سال ۱۹۶۰ در شهر اشتوتگارت و توسط کورت رودولف^۱ در شهر لایپزیک ۱۹۶۵ به بازار آمده است، در تفسیر آیه ۳ سوره نساء اظهار می‌دارد که محدودیت ازدواج نشان دهنده این است که مردان حق ندارند برای شادزیستی خود به ازدواجهای اضافی بپردازند. (بنابراین زنانی بگیرید که دلخواه شما هستند، ۱ یا ۲ یا ۳ یا ۴ تا). در آیه ۳، مشکلات دیگری نیز وجود دارد. در حالی که در قسمت اول آیه - اگر به طور صحیح مفاد آن را بفهمیم - مردان در این جهت به شوق می‌آیند که به نفع زنان یتیمی که وقت ازدواجشان رسیده و آنها قیم ایشانند، به ازدواجهای اضافی بپردازند، ولی بر عکس، در قسمت دوم آیه، تعداد زنان محدود می‌شود، چون آنها نمی‌توانند به طور همزمان میان زنان خود عدالت را مراعات کنند: «اگر بیم آن دارید که به عدالت رفتار نکنید، تنها یک زن بگیرید یا هر چه (از کنیزان) مالک آن شوید». این تقاضا که میان زنان به عدالت رفتار کنید، به هر حال به طور مؤکد^۲ منظور نیست، همان طور که آیه ۱۲۹ سوره نساء تأکید می‌کند: «هر چند بکشید، هرگز نتوانید میان زنان به عدالت رفتار کنید. لیکن یکباره به سوی یکی میل نکنید تا دیگری را گرسنه رها کرده باشید. اگر از در آشتی در آید و پرهیزگاری کنید خدا آمرزنده و مهربان است».

1. Kurt Rudolph

2. Regoros

□ ۸۷ قرآن‌پژوهی

با این حال، این تقاضا که فقط یک زن یا یک کنیز^۱ را به ازدواج در آورید مقبول است. به این ترتیب به نظر می‌رسد رفتاری که توصیه می‌شود برای به شوق در آوردن مردان به آنها اجازه ازدواج اضافی داده شود، با آن در تضاد است. به این دلیل حتی پل فرض کرده است که قسمت دوم آیه مربوط به زمان بعد است، اما نباید آن قدر دور رفت. مفاد و رابطه مفهومی جمله شرطی دوم را می‌توان به درستی فهمید، اگر ما به جای: «و اگر بیم آن دارید...» ترجمه کنیم: «اما اگر بیم آن دارید»^۲.

آخر جمله دوم آیه^۳ باعث به وجود آمدن تفاسیر مختلف شده است. با این حال، این مسئله محدود به تشکیل عقاید عمومی شده است بدون آنکه در تفاسیر قرآن قابل مشاهده باشد.

با توجه به این واقعیت که جمله: «هر چه (از بردگان زن) مالک شوید» برعکس امکانات ازدواجی که قبلاً از آن صحبت شد، دارای تعداد معلومی نیست، بعضی فکر می‌کردند که می‌توان نتیجه گرفت که یک مسلمان علاوه بر چهار زن قانونی که اجازه دارد بگیرد، اختیارکردن تعداد بی‌شمار کنیز را نیز دارد. در حقیقت این جمله درست معنای مخالف آن را دارد. به تک‌تک مؤمنان در صورت لزوم، این امکان داده می‌شود که وقتی مخارج ازدواج با یک زن آزاد را نمی‌توانند بدهند، به یک کنیز رضایت دهند. این مسئله را می‌توان از مفاد آیه^{۲۵} نتیجه گرفت.

برای فهم صحیح قرآن، به ویژه وقتی به اشکال برمی‌خوریم که روش بیان متن اصلی بر حسب ظاهر نامنظم^۳ و غیرمتعادل است و بعضی اوقات یک رابطه فکری فقط به صورت گذرا معنا شده و یا اصلاً معنا نشده است، خواننده باید حلقه مفقوده را خودش تکمیل کند. از آنجایی که چنین تکمله‌هایی همیشه از خود جمله ارائه نمی‌شود، بلکه اکثراً بر اساس تجربه زمانی کسب شده و از دانش تخصصی شکل می‌گیرد، من در همه ترجمه‌هایم کوشش کرده‌ام کمک‌های مطمئنی برای بازسازی رابطه وقتی که متن واسطه‌های مهم ذکر نشده است آماده کنم. تکمله‌ها و انتقال‌های فکری که برای این مقصد، به کار رفته در پرانتز آمده و به این

1. Konkubinent

۲. توجه: ترجمه من در قرآن را باید مطابق این نکته تصحیح کرد.

3. Abrupt

وسیله نشان داده شده که آنها کار مترجم است. کسی که می‌خواهد به سرعت درباره‌ی جایی یا چیزی یا مطلبی اطلاعاتی کسب کند بهتر است از خواندن داخل پراتز صرف نظر کند. اما باید بداند که قسمتهای متن داخل پراتزها، اصولاً به اصل ربطی ندارد، بلکه افزوده‌های توضیحی هستند و همیشه باید میدانهای تفسیر و یا امکانات دیگر برای تفسیر در نظر گرفته شود. مثالهای مربوط به تکمله‌هایی که شرح داده شده‌اند و در داخل پراتز ترجمه ضمیمه شده‌اند، در نقل قولهای به کار برده شده بالا از سوره‌ی نساء قرار دارند. ما این نکته را که تا چه حد این تکمله‌ها برای فهمیدن متن ضروری است در مثال دیگری نشان خواهیم داد.

در سوره‌ی بقره، آیات ۶۷-۷۳ از ذبح یک گاو سخن به میان آمده است. آیات ۶۷-۷۱ به طور واضح به کتاب چهارم موسی سوره‌ی ۱۹ آیات ۱ تا ۱۰ ارجاع می‌دهد، در حالی که هر دو آیه ۷۲ به بعد، یادآور آیات ۱ تا ۹ سوره‌ی ۲۱ کتاب پنجم موسی است.

آیه ۷۱ که متعلق به بخش اول است با این مسئله به پایان می‌رسد که گاوی که قبلاً توصیف شد، توسط پیروان موسی (ع) ذبح شده است. هر دو آیه بعدی لغت به لغت ترجمه شده بدون آنکه توضیحی درباره‌ی آن داده شود.

«به باد آرید وقتی که نفسی را کشتید و یکدیگر را درباره‌ی آن متهم کرده و نزاع برانگیختید و خداوند رازی را که پنهان می‌داشتید آشکار فرمود. پس دستور دادیم که پاره‌ای از اعضای آن گاو را بر بدن کشته زنید تا ببینید که این گونه خداوند مردگان را زنده خواهد فرمود و قدرت کامل خویش را برای شما آشکار خواهد ساخت (که قدرتش به اسباب عادی احتیاج ندارد)»^۱.

معنای کلی این آیات وقتی قابل فهم است که معنا را به شکل ذیل تکمیل کرده باشیم: و (آن وقت) وقتی که شما کسی را کشته بودید و بلافاصله درباره‌ی آن (یعنی درباره‌ی شخصی که ضربه‌ی مرگ‌آمیز را زده بود) با یکدیگر به دعوا برخاستید - اما خداوند رازی را که شما در خود پنهان می‌کنید، آشکار می‌سازد. آن وقت گفتیم: «زنید او را (یعنی مرده را) با یک قطعه از اعضای آن (یعنی از گاو ذبح شده) (بعد او برای یک لحظه زنده می‌شود تا آن کسی را که قاتل است، نشان دهد). این طور خداوند مردگان را زنده می‌کند و آیات خود را به شما نشان می‌دهد (که قدرتش به اسباب عادی احتیاج ندارد).

وقتی که انسان می‌خواهد هر یک از سوره‌های قرآن را به مثابه واحدهای ادبی بفهمد و از

۱. بقره، آیات ۷۲ و ۷۳.

□ ۸۹ قرآن‌پژوهی

ساختار داخلی قرآن مطلع شود، ناچار به سؤاها و معماهای بسیاری برخورد می‌کند که باید به آنها پاسخ داده شود. در ابتدا باید میان سوره‌های طولانی و سوره‌های کوتاه فرق قائل شد. اکثر سوره‌های کوتاه قرآن مربوط به دوران اولیهٔ رسالت پیامبر می‌شود و به دلیل کوتاهی‌شان اثر وحدت‌آمیزی داشته‌اند. اما بعضی اوقات نیز در میان آنها مسائل مختلفی دیده می‌شود که به طور اختیاری در کنار یکدیگر قرار داده شده‌اند. این مسائل در مورد سوره‌های طولانی بیشتر دیده می‌شود. مفسران و شارحان قرآن به این نتیجه رسیده‌اند که در سوره‌های مکی، یعنی سوره‌هایی که قبل از هجرت پیامبر به مدینه بر او نازل شده‌اند، تکه‌های کوچکی از سوره‌های مدنی که بعد از هجرت بر او نازل شده‌اند قرار داده شده است و بالعکس، در سوره‌های طولانی غالباً آیات مختلفی دیده می‌شود که یا در قسمت‌های مستقل و یا تکه‌تکه در جاهای مختلفی قرار دارند. با این حال ردیف‌های یکدستی از آیات نیز دیده می‌شوند؛ مثل سوره‌هایی که در آنها سخن از فرستادهٔ خدا در زمانهای قدیم به میان آمده است، حتی در سورهٔ یوسف یک داستان واحد که دربارهٔ یوسف (ع) و برادران اوست گزارش و شرح داده شده است. شبیه این را در مورد سوره‌های بسیار کوچکی مثل سورهٔ نوح می‌بینیم که دربارهٔ زندگانی نوح سخن گفته می‌شود. اما به هر حال مواردی که در آنها بر حسب ظاهر نظم و ترتیب خاصی مشاهده نمی‌شود بیشتر است.

من در ترجمهٔ قرآن از زبان عربی به آلمانی به طور کلی سعی کرده‌ام همیشه قسمت‌هایی از متن را که ظاهراً با یکدیگر ارتباط دارند، یکجا در نظر بگیرم و از آنها دریابم که حضرت محمد (ص) در ابتدا، در شرایط مکانی و زمانی‌ای که قرار داشت چه می‌خواسته بگوید. از بسیاری از سخنان پیامبر (ص) نیز می‌توان فهمید که ابلاغ‌های او به دلایلی دارای وسعت زیاد نبودند. برای مثال، داستان یوسف (ع) که در سورهٔ یوسف آمده است، مطمئناً یکبار بر پیامبر نازل نشده است. این نیز یک واقعیت است که بعضی اوقات قسمت‌های مختلفی به یک سورهٔ طولانی تبدیل شده‌اند. البته انسان از خود سؤال می‌کند که چه نقطه‌نظری در آن معیار بوده است و چگونه می‌توان ابهام‌هایی را که در مسیر متن مشاهده می‌شود توضیح داد. پژوهش‌های قرآنی در این مورد باید بسیار انجام شود. بعضی اوقات ممکن است یک عنوان یا یک مدخل سبب شود که یک قسمت در جایی گذاشته شده باشد که حالا هست. ...

بل با این تذکرات عمومی هم عقیده نیست. او در ترجمهٔ خود، از کاتالوگی که در آن

مشکلات متن را جمع‌آوری نموده بسیار استفاده کرده است. او با تیزبینی خاصی کوشش کرده است با تحلیل و ترکیب، ناهماهنگی‌ها را مرتفع ساخته و رشد همزمان قسمت‌های مختلف را با نظر به تاریخ روایات قابل فهم سازد. در مورد مرحله میانی بازسازی^۱ تاریخی انتقادی (به معنای دقیق‌تر، منظم کردن دوباره) هر یک از سوره‌ها، او عقیده دارد که به این هدف که تمام قرآن را بازسازی کند، نزدیک شده است. حرف پایانی در این زمینه هنوز گفته نشده است. نتایجی که بل به آنها رسیده است، به طور کلی اطمینانی به آنها نیست و هنوز فقط روی کاغذ ثبت شده است. کسی که می‌خواهد واضح‌تر ببیند باید بیشتر به ساختار درونی تک تک سوره‌ها توجه کند و سعی داشته باشد برای قرآن نوعی هماهنگی^۲ در نظر بگیرد و در معنای ادبی آن تحقیق کند. با نظر به تمام احتمالات موجود باید به حل ناقص این کار رضایت داد و انتظار نداشت که با طی زمان، پیدایش همه سوره‌های قرآن روشن شود به گونه‌ای که بتوان در ساختار درونی قرآن نفوذ کرد و ترکیبات هماهنگ شده و از پیش طراحی شده آن را فهمید.

■